

تحلیل انتقادی منکرین مهدویت با استناد به احادیث صحاح سته^۱

دکتر غلامحسین تاجری نسب^۲ / مریم رضایی^۳

چکیده

باور به منجی و موعودگرایی، از مسائل مهم مورد توجه همه ادیان الهی و غیر الهی است و با عنوان اصل مهدویت، در علوم اسلامی مورد توجه اندیشمندان است. همواره در طول تاریخ برخی از مسلمانان و خاورشناسان با انگیزه‌های مختلف، ضمن ایراد شبهاتی به انکار و مخالفت با اصل مهدویت پرداخته‌اند ولی اهمیت مسئله گروهی از اندیشمندان مسلمان را بر آن داشته تا به بررسی و نقد شبهات و پاسخ به آن‌ها بپردازند. این مقاله به روش مطالعات کتابخانه‌ای و تحقیقات نظری انجام شده و بر اساس تحقیقات تاریخی انجام شده در کتب حدیثی اولیه اهل سنت شبهه «اعتقاد به مهدویت از عقاید قدمای اهل سنت نیست» را نقد و تحلیل نموده است و با بررسی احادیث متعدد مرتبط با اصل مهدویت که در منابع اولیه و مورد اعتماد اهل سنت موجود است و توسط دانشمندان بزرگ سنی تأیید شده است، بر این امر تأکید کرده است که مسئله مهدویت منحصر به شیعیان و برخاسته از افکار سیاسی ایشان نیست، بلکه مورد قبول همه مذاهب اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: شبهه، انکار مهدویت، قدمای اهل سنت، افکار سیاسی، خاورشناسان

۱. برگرفته از رساله دکترا با موضوع تحلیل انتقادی مخالفان و منکران مهدویت بر پایه قرآن و حدیث با

راهنمایی آقای دکتر غلامحسین تاجری نسب

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده اصول الدین تهران

۳. مریم رضایی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تهران جنوب، دکترای علوم قرآن و حدیث

دانشکده اصول دین تهران

مقدمه

باور به منجی و موعودگرایی از مسائلی است که همه ادیان الهی و غیر الهی و مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند. مسئله مهدویت در مذهب شیعه؛ هم از حیث مباحث اعتقادی مورد توجه است و هم از حیث مباحث اجتهاد سیاسی و اجتماعی و حکمرانی لذا مورد توجه افراد زیادی واقع می‌شود.

باور به مهدویت به انسان روحیه نشاط و امید می‌دهد و باعث جنب و جوش می‌شود و شخص را در مقابل زورگویی مقاوم می‌کند و باعث می‌شود بتواند نیرو بگیرد و برای برپایی حق مبارزه کند، دشمنان اسلام که خواهان غفلت و عدم تحرک و پویایی ملت‌ها هستند و اعتقاد به مهدویت را به زیان خود می‌دانند همواره در تلاش هستند تا آن را از اذهان مردم بزایند و از سوی دیگر نیز، از آنجا که تحقق حکومت جهانی مهدوی، یعنی تشکیل مدینه فاضله اسلامی و از بین رفتن ظلم و ستم از دنیا به نفع آنان نیست، تلاش نموده‌اند با روش‌های گوناگون به اصل مهدویت خدشه وارد کنند تا راحت‌تر بتوانند به اهداف خود دست یابند، تخریب و مخدوش کردن چهره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تلاش برای سست کردن عقیده‌ی مهدوی باوران یکی از این اقدامات است و زمانی که از تخریب مهدویت، عاجز شوند، به تحریف آن روی می‌آورند تا با این شیوه آثار و برکات مهدویت را به آفات و آسیب‌ها تبدیل کنند. تلاش دیگری که در این مورد انجام می‌دهند، تحقیر و تمسخر است و روش دیگر، جایگزین‌سازی و اقدامات دیگر نیز انکار مهدویت است که تلاش می‌کنند با وارد کردن شبهات مختلف، آن را به کل منکر شوند و مدعی شوند مهدویت در اعتقادات اسلامی وجود نداشته است تا بتوانند با از بین بردن اندیشه مهدویت، اطمینان حاصل کنند که سدی در راه نیل به اهداف استعماری‌شان وجود ندارد.

اهمیت موضوع دانشمندان مسلمان شیعه و اهل سنت را بر آن داشته تا به تألیف کتاب و نگارش مقاله در موضوعات مختلف از جمله بررسی این اصل در قرآن و حدیث پرداخته و آثار فراوانی به جای گذارند. کتاب «معجم احادیث امام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» که توسط جمعی از علما تألیف شده، بیش از ۴۰۰ روایت متواتر، حسن، صحیح و ضعیف از

کتب حدیثی اهل سنت را در موضوع مهدی و مهدویت گردآورده است و خود شاهدهی بر اهمیت این موضوع نزد دانشمندان اهل سنت است.

۲. سؤالات

این مقاله قصد دارد یکی از شبهاتی که برای انکار اصل مهدویت وارد شده است، تحت عنوان «مهدویت از عقاید قدمای اهل سنت نیست و احادیث آن در صحیحین ذکر نشده است» را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل انتقادی آن پردازد و با رویکردی نقادانه به این سؤالات پاسخ دهد که؛ آیا احادیث مهدویت در صحیحین ذکر نشده است؟ آیا عدم وجود حدیث در یک موضوع خاص در صحیحین دلیل بر ضعف آن حدیث نزد مسلم و بخاری و دیگر قدمای اهل سنت است؟ و آیا در هیچ‌یک از کتب حدیثی قدمای اهل سنت که مورد تأیید دانشمندان اهل سنت است حدیثی با موضوع مهدویت وجود ندارد؟ و کدام انگیزه‌ها باعث می‌شود که مسلمانان و خاورشناسان به انکار مهدویت پردازند؟

۳. ایراد شبهه

از جمله شبهاتی که برخی منکرین مهدویت مطرح کرده‌اند؛ این است که مهدویت از عقاید قدمای اهل سنت نیست و عدم وجود احادیث مهدوی در صحیح بخاری و مسلم را دلیل بر این امر دانسته و ادعای شیعی بودن عقیده مهدویت را دارند و آن را برگرفته از افکار سیاسی شیعه می‌دانند و در نهایت منکر این اصل می‌شوند. جهت تبیین این شبهه و پاسخ‌گویی به آن، ابتدا سخنان آن دسته از منکرین مهدویت که این شبهه را وارد کرده‌اند بیان شده و سپس با بررسی صحاح سته اهل سنت به تحلیل انتقادی این شبهه پرداخته خواهد شد.

۴. شبهه در بین مسلمانان

چند تن از مهم‌ترین افرادی که با طرح شبهه عدم ذکر احادیث مهدویت در صحیحین به انکار آن پرداخته‌اند به شرح زیر هستند:

۱-۴. رشید رضا (۱۲۸۲-۱۳۵۴) یکی از منکرین مهدویت می‌گوید:

«تعارض در احادیث مهدی، قوی‌تر و ظاهرتر است و جمع بین روایات در این باب مشکل‌تر و منکران آن نیز، فراوان و شبهه در آن نیز ظاهرتر است؛ به همین دلیل، شیخان [مسلم و بخاری] در دو کتابشان توجهی به این روایات نکرده‌اند.» (رشید رضا، ۱۹۹۰، م، ۹: ۴۱۶)

«ریشه این احادیث، یک حرکت سیاسی معروف شیعی است و شیعه، در این باره خرافاتی دارد که با اصول دین مخالف است.» (رشید رضا، ۱۹۹۰، م، ۱۰: ۳۴۲)

۴-۲. احمد امین (۱۳۷۳ - ۱۳۰۵ ق) نیز می‌گوید:

«از افتخارات صحیح بخاری و مسلم آن است که این‌گونه احادیث در آن دو وارد نشده است، گرچه در غیر این دو کتاب از کتاب‌های حدیث وارد شده است.» (احمد امین، ۲۰۱۲، م، ۲۷؛ احمد امین، ۱۹۹۹، م، ۳: ۲۷۷)

«بخاری و مسلم، هیچ‌یک از احادیث و روایات مهدی را ذکر نکرده‌اند که دلیل است بر این‌که روایات مذکور، نزد آنان صحیح نبوده است.» (احمد امین، ۱۹۹۹، م، ۳: ۲۳۷)

«اندیشه مهدی، اسباب سیاسی، اجتماعی و دینی دارد. به گمانم این فکرزاییده شیعه است، پس از خروج خلافت از دست اهل بیت، آن را ابداع کردند، رهبری باهوش شیعه با سوءاستفاده از ساده‌اندیشی توده‌ها و شوق آنان به دین اسلام، از این جنبه ظاهرالصلاح شروع به تبلیغ نمودند، حدیث‌ها را جعل و آن‌ها را از قول پیامبر ﷺ روایت کردند.» (احمد امین، ۱۹۹۹، م، ۳: ۲۴۴)

«عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه و اصرار بر آن، فشارهای سیاسی و مصائبی بود که بعد از شهادت امام علی علیه السلام و به حکومت رسیدن معاویه با آن روبه‌رو شدند. این مصائب با بیعت با حسن بن علی علیه السلام و پس از آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و از هم پاشیدن حرکت‌های ضد اموی و قوت گرفتن حکومت امویان شدت گرفت. لذا در صدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده از دعوت آشکار صرف نظر کرده، به دعوت سری برای ریشه‌کن کردن ظلم روی آورند...» (احمد امین، ۱۹۹۹، م، ۳: ۲۴۱)

۴-۳. شیخ عبدالله بن زید آل محمود (۱۴۱۷-۱۳۲۷ ق) مطالبی به شرح زیر بیان می‌کند:

«مسئله مهدی در اصل خود از اعتقادات اولیه اهل سنت نیست و هیچ‌ذکری هم از آن

در قرن اول در بین صحابه و تابعین نبوده است و در حقیقت این شیعه بوده که این تفکر و عقیده را بنا کرده و با هم نشینی و دوستی و آمیختن با اهل سنت به ترویج آن پرداخت و این‌گونه بود که در اعتقادات اهل سنت جای گرفت در حالی که از اصول عقیدتی آنها نیست.» (آل محمود، ۳ و ۱۴)

«اندیشه مهدی، علل سیاسی، اجتماعی و دینی دارد و جملگی از عقاید شیعه سرچشمه می‌گیرد. شیعیان از همان ابتدای دور شدن خلافت از اهل بیت علیهم‌السلام، این اندیشه را ابداع کردند. شیعه با سوءاستفاده از ساده‌اندیشی توده‌ها و شور و شوق آنان به دین و دعوت اسلامی، از این جنبه ظاهرالصلاح شروع به تبلیغ نمودند، حدیث‌ها را جعل! و آنها را از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کردند؛ و اسناد آن را از طرق مختلف به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نسبت داده‌اند و بسیاری از مردم ظاهرالصلاح آن را تصدیق کردند و علمای شیعه به خاطر مصلحتشان در مورد آن سکوت کردند.» (به نقل از العباد، ۱۴۰۰ ق، ۴۵: ۱۷)

۴-۴. محسن عبدالحمید (متولد ۱۳۵۶ ق) از دانشمندان معاصر عراقی مطالبی دال بر این‌که عقیده مهدویت به علت فشارهایی که بر شیعیان وارد شده، ایجاد شده است به شرح زیر نوشته:

«آگاهی پیشوایان شیعه، از ستم موجود در جامعه، که ناشی از قهر و آزار دشمنان بود؛ کمک شایانی به آنان نمود تا بتوانند اندیشه‌ی ساختگی مهدویت را، در اذهان رسوخ دهند... و چون در قرآن کریم آیاتی نیافتند تا بر ظهور مهدی، بدان‌ها استدلال کنند؛ ناچار شدند که به روایات روی آورند. بدین خاطر، ده‌ها حدیث، جعل نمودند و در جامعه منتشر ساختند.» (عبدالحمید، ۱۹۸۵ م، ۳۸)

۴-۵. محمد عبدالکریم عتوم (معاصر) می‌گوید:

واقع آن است که عقیده به مهدی قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده و پرورش پیدا کرد؛ و این به صورت دقیق بعد از واقعه کربلا و بعد از تفرق شیعه توسط دولت اموی بوده است. این وضعیت نابهنجار برای شیعه زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم ساخت تا آنان را از وضعیت موجود نجات دهد. در نتیجه مهدویت آرزویی شیعی بود که اثری منفی

در زندگی شیعیان داشت اگرچه آنان را از وضعیت موجود نجات داد. (عتوم، ۱۴۰۹، ق ۸۶)

۵. شبهه در آثار خاورشناسان

۱-۵. ایگناز گلدزیهر^۱ (۱۹۲۱-۱۸۵۰ م) یهودی مخالف و منکر مهدویت است و از جمله مستشرقینی است که مهدویت را مورد تمسخر قرار داده است. وی در کتاب خود می‌گوید:

«... همانا اهل سنت، آمدن مصلحی برای جهان در پایان زمان را باور دارند که خدا وی را برمی‌انگیزد. آنان نیز او را مهدی می‌نامند... و به پیامبر ﷺ احادیثی نسبت داده شده که در آن‌ها به دقت نشانه‌های شخصی نجات‌دهنده‌ی جهان که در آخرالزمان مژده داده‌اند، ترسیم گردیده است. اگرچه آن روایات رخنه‌ای برای نفوذ پنهان به درون کتاب‌های حاوی احادیث صحیح که در ثبت خبر سختگیرند، نیافته است... ولی نوشته‌های دیگری که در درستی نگارش روایات شدت عمل کمتری دارند آن‌ها را نگاشته‌اند... اما انتظار قیام مهدی در اسلام سنی برخلاف استنادی که به مدارک حدیثی و گفتگوهای کلامی دارد، بدون شک بدان رتبه نرسیده که جایگاه یک باور دینی را به دست آورد» (برگرفته از: گلدزیهر، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۳۸۰).

۲-۵. دوایت دونالدسن^۲ (۱۹۷۶-۱۸۸۴ م) معتقد است که عقیده مهدویت از عقیده قدمای اهل سنت نبوده است و آن را یک فکر سیاسی اجتماعی و نشئت گرفته از خفقانی که در زمان امویان برای شیعیان به وجود آمده می‌داند و می‌گوید:

«کاربرد اصطلاح «مهدی»، حدود ۲۰۰ سال بر تدوین کتب حدیث پیشی دارد و این فاصله، برای تبلور و شکل‌گیری اندیشه‌ی مهدویت کافی است؛ و از آنجا که در خود قرآن چیزی نیست که این بینش را تأیید کند؛ ناگزیر باید برای اثبات آن، به روایات پناه برد.» (دوایت دونالدسن، ۱۹۹۰ م، ۲۳۰ تا ۲۳۲؛ تاجری نسب، ۱۳۸۷، ش ۲، ۱۰۱)

به احتمال قوی اختناق و فشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان

۱. Ignaz Goldziher، مستشرق یهودی الأصل آلمانی

۲. Dwight M. Donaldson، اسلام‌شناس آمریکایی و مبلغ کلیسای مشایخی

بنی امیه پدید آمده از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخرالزمان بوده است. (دونالدسن، دوایت، ۱۹۹۰ م، ۲۳۱)

۶. صحاح سته اهل سنت

اهل سنت شش مجموعه حدیث به نام «صحاح سته» مستند و معتبر دارند که شروع متعدد بر آن‌ها نوشته شده و ملاک احکام و فتوای فقهای ایشان است و عبارت‌اند از:

۱-۶. الجامع الصحیح یا صحیح بخاری؛ تألیف ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ق) که نخستین مؤلفی است که احادیث صحیح منتخب را جمع‌آوری و طبقه‌بندی نمود و کتاب او جامع‌ترین و متقن‌ترین کتاب نیمه اول قرن سوم هجری است. وی در صحیح خود احادیثی را که در آن‌ها نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با صراحت ذکر شده باشد، نیاورده است، اما روایات متعددی بیان کرده است که به صورت عام به موضوع مهدویت دلالت دارد.

۲-۶. صحیح مسلم؛ تألیف ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (۲۰۴ - ۲۶۱ ق) است. برخی صحیح مسلم را به خاطر چینش احادیث و ساختار خاص آن بر صحیح بخاری ترجیح داده‌اند.

این کتاب و کتاب بخاری را صحیحین گویند و بیشتر احادیث احکام اهل سنت در آن‌ها جمع است و در نزد اهل سنت از اعتبار بالایی برخوردارند. بعلاوه احادیثی در صحیحین آمده که موثوق بودن رجال آن مورد اتفاق محدثین است و اهل سنت این دو کتاب را بعد از قرآن از صحیح‌ترین کتاب‌های خود بشمار می‌آورند.

۳-۶. سنن ابی داود؛ تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۰۲ - ۲۷۵ ق) است. بعد از صحیح بخاری و مسلم سنن ابوداود نزد بسیاری از علمای اهل سنت در رتبه سوم قرار دارد. وی علاوه بر احادیثی فقهی، بخشی از کتابش را به مجموعه روایات مهدویت تحت عنوان «کتاب المهدی» اختصاص داده است.

۴-۶. سنن ابن ماجه؛ تألیف ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (۲۰۹ - ۲۷۳ ق) است. برخی از دانشمندان اهل سنت، بین صحاح سته سنن ابن ماجه را آخرین کتاب از نظر اعتبار،

می‌شناسند و برخی نیز آن را بر موطأ مالک ترجیح داده‌اند. وی در کتاب «الفتن» بابی تحت عنوان «خروج المهدی» دارد که هفت حدیث آن درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۵-۶. الجامع الکبیر یا سنن ترمذی؛ تألیف ابو عیسی محمد بن عیسی ترمذی (۲۰۹ - ۲۷۹ ق) است. در سنن ترمذی در کتاب الفتن بابی به عنوان «باب ما جاء فی المهدی» وجود دارد که در آن احادیثی آمده که به نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده و درباره نزول عیسی علیه السلام، فتنه دجال و علامات آخر الزمان هم روایات بسیاری را ذکر می‌کند.

۶-۶. سنن نسایی؛ تألیف ابو عبدالرحمن أحمد بن شعیب بن علی النسائی (۲۱۵ - ۳۰۳ ق) از بزرگ‌ترین محدثان اهل سنت است. در این کتاب احادیث مهدویت کمتر نقل شده است ولی روایاتی در مورد فساد و فتنه در آخر الزمان را که بیشتر با علامات قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف قابل تطبیق است بیان کرده است.

۷. احادیث مهدویت در صحاح سته

همان‌طور که ذکر شد برخی از منکران مهدویت با ایراد این شبهه که مهدویت از عقاید قدمای اهل سنت نیست و از عقاید شیعیان و ساخته و پرداخته افکار سیاسی آن‌هاست آن را رد و انکار می‌کنند، در صورتی که بررسی کتب حدیثی اهل سنت نشان می‌دهد در صحاح سته اهل سنت؛ احادیث عام با موضوع مهدویت و احادیث خاص که اشاره مستقیم به مهدویت دارد نقل شده که بیانگر این است که این اعتقاد فقط به شیعیان اختصاص نداشته و ساخته و پرداخته ذهن آن‌ها نیست، برای تأیید مطلب برخی از احادیثی که از قول پیامبر صلی الله علیه و آله با موضوع مهدویت به صورت خاص و یا عام در صحاح سته بیان شده‌اند ذکر می‌شود:

۱-۷. نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در صحاح سته، در سنن ابوداود، ترمذی و ابن ماجه روایاتی وجود دارد که به نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح دارد و از حیث سند متقن و معتبر می‌باشند.

۱-۱-۷. از امام سلمه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «المهدی حَقٌّ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ.» (بخاری، تاریخ الکبیر، ۳: ۳۴۶)؛ مهدی حق است و از اولاد فاطمه است.

۲-۱-۷. بازهم از ام سلمه که پیامبر ﷺ فرمود: «الْمَهْدِي مِنْ عِزَّتِي، مِنْ وَدَدِ فَاطِمَةَ» (ابوداود، ۱۴۳۰ ق، ۴: ۱۰۷؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۱۴)؛ مهدی از عزت من است، از اولاد فاطمه.

۳-۱-۷. از ابی سعید خدری که پیامبر ﷺ فرمود: «الْمَهْدِي مِنِّي أَجْلَى الْجَبْهَةِ، أَفْتَى الْأَنْفِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ.» (ابی داود، ۱۴۳۰ ق، ۶: ۳۴۲)؛ مهدی از فرزندان من است. پیشانی بلند و بینی کشیده دارد. زمین را پراز عدل و داد می‌کند همان طور که از ظلم و جور پرشده است. او هفت سال حکومت می‌کند.

۴-۱-۷. از زبیدی که پیامبر ﷺ فرمود: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْتُونَ لِمَهْدِي يَعْزِي سُلْطَانَهُ.» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۲: ۲۱۵)؛ مردی از مشرق خارج شده و برای حکومت و سلطنت امام مهدی زمینه‌سازی می‌کنند.

۵-۱-۷. از انس بن مالک که پیامبر ﷺ فرمود: «نَحْنُ وَوَدَدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَةُ أَهْلِ الْجَنَّةِ، أَنَا وَحَمْرَةٌ، وَعَلِيٌّ وَجَعْفَرُ وَحَسَنٌ وَوَدَدٌ وَوَدَدٌ وَوَدَدٌ.» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۱۴)؛ ما فرزندان عبدالمطلب سروران بهشت هستیم؛ یعنی من و حمزه و جعفر و علی و حسن و حسین و مهدی.

۶-۱-۷. از محمد بن الحنفیه از امام علی عَلِيٌّ که پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «الْمَهْدِي مِثْلًا، أَهْلُ الْبَيْتِ، يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۱۳)؛ مهدی از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.

۲-۷. دوازده خلیفه از قریش

در کتب اهل سنت احادیثی مبنی بر این که دوازده خلیفه از قریش خواهند و امر دنیا را به دست خواهند گرفت آمده است. حضرت مهدی عَلِيٌّ دوازدهمین این خلفا معرفی شده است.

۱-۲-۷. از جابر بن سمره که پیامبر ﷺ فرمود: «يَكُونُ اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، فَقَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا، فَقَالَ أَبِي: إِنَّهُ قَالَ: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۹: ۸۱؛ مسلم، ۱۴۵۲ و ۱۴۵۳)

؛ دوازده امیر خواهند بود. آنگاه سخنی گفت که من آن را نشنیدم. پدرم گفت: که حضرت فرمود: همه آنان از قریش هستند.

۲-۲-۷. از جابر بن سمره که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً كُلَّهُمْ تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ فَسَمِعْتُ كَلَامًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ لَمْ أَفْهَمْهُ قُلْتُ لِأَبِي: مَا يَقُولُ؟ قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (ابی داوود، ۱۴۳۰ ق، ۶: ۳۳۵)؛ این دین همواره پابرجا خواهد ماند تا اینکه دوازده خلیفه بر شما حکمرانی خواهند کرد که همه مردم گرد آن‌ها جمع شوند، سخنی از پیامبر ﷺ شنیدم که معنای آن را نفهمیدم، از پدرم پرسیدم، گفت: همگی از قریش هستند.

۳-۷. نام پدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

در کتب روایی اهل سنت نام پدر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به شرح زیر بیان شده است.
۱-۳-۷. از عبدالله که پیامبر ﷺ فرمود: «لَوْ لَمْ يَنبَقْ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلؤها عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا» (ابی داود، ۱۴۳۰ ق، ۶: ۳۳۷)؛ اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا مردی از فرزندان مرا مبعوث کند که اسم او مانند اسم من است و زمین را پراز عدل و قسط می‌کند، همان‌گونه که پراز ظلم شده بود.

۱-۳-۷. از عبدالله که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي.» (ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ۴: ۵۰۵)؛ دنیا به آخر نرسد تا آن‌که مردی از اهل بیتم که همانم من است، بر عرب‌ها فرمانروایی کند.

۴-۷. گسترش هرج و مرج

گسترش هرج و مرج و فراگیر شدن ظلم و ستم و جنگ و کشت و کشتار که از نشانه‌های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف است در روایات صحاح سته آمده است که برخی از آن‌ها نقل می‌شود.

۱-۴-۷. از ابوموسی که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ أَيَّامًا، يُرْفَعُ فِيهَا الْعِلْمُ، وَ يُنْزَلُ فِيهَا الْجَهْلُ، وَيَكْثُرُ فِيهَا الْهَرْجُ، وَالْهَرْجُ: الْقَتْلُ» (بخاری، ۱۴۴۲ ق، ۹: ۴۸؛ مسلم، ۴: ۲۰۵۶)؛

ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۱۷۴؛ همانا در آستانه‌ی قیامت ایامی خواهد بود که در آن ایام، علم از بین می‌رود و جهل سرازیر می‌شود و هرج و مرج و قتل زیاد می‌شود.

۷-۴-۲. از ابوهریره که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ، حَتَّى يَقُولَ الْحَجْرُ وَرَاءَهُ الْيَهُودِيُّ: يَا مُسْلِمُ، هَذَا يَهُودِيٌّ وَرَائِي فَأَقْتُلْهُ» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۴: ۴۲؛ مسلم، ۲۲۳۸: ۴؛ همین مفهوم: ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۰۰)؛ قیامت برپا نمی‌شود تا آن‌که با یهودیان بجنگید. در آن جنگ، یهودیان به حدی نابود می‌شوند که حتی سنگی که یک نفر کنار آن پناه گرفته می‌گوید او یهودی است او را به قتل برسان.

۷-۴-۳. از ابوهریره که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ إِلَّا وَطَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى النَّاسِ، لَا يُبَالُونَ مَنْ خَذَلَهُمْ وَمَنْ نَصَرَهُمْ» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۱: ۷)؛ قیامت برپا نمی‌گردد مگر اینکه گروهی از امت من بر مردم غالب و پیروزند و پروایی ندارند که چه کسی آنها را رها کرده و یاری نمی‌رساند و چه کسی آنها را یاری می‌کند.

۷-۴-۴. از اسامه که پیامبر ﷺ فرمود: «هَلْ تَرَوْنَ مَا أَرَى، إِنِّي لَأَرَى مَوَاقِعَ الْفِتَنِ خِلَالَ بُيُوتِكُمْ كَمَوَاقِعِ الْقَطْرِ» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۳: ۲۱، ۹: ۴۸، ۳: ۱۳۳؛ مسلم، ۲۲۲۱: ۴)؛ آیا می‌بینید آنچه را من می‌بینم؟ من محل سقوط فتنه‌ها را مانند نزول قطرات باران در میان خانه‌های شما می‌بینم.

۷-۴-۵. از ابوهریره که پیامبر ﷺ فرمود: «سَتَكُونُ فِتْنٌ الْقَاعِدُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْقَائِمِ، وَ الْقَائِمُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْمَاشِي، وَالْمَاشِي فِيهَا خَيْرٌ مِنَ السَّاعِي، مَنْ تَشَرَّفَ لَهَا تَسْتَشْرِفُ، وَمَنْ وَجَدَ فِيهَا مَلْجَأً فَلْيُعِدْ بِهِ.» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۹: ۵۱، ۴: ۱۹۸؛ مسلم، ۲۲۱۲: ۴ با کمی اختلاف، ۴: ۲۲۱۱؛ ترمذی، ۱۳۹۵ ق، ۶: ۴۸۶ با کمی اختلاف)؛ به زودی فتنه‌ای فرامی‌رسد که نشسته بهتر از ایستاده و ایستاده بهتر از راه‌رونده و راه‌رونده بهتر از ساعی است... پس هر کس پناهگاهی یافت، به آن پناه ببرد.

۷-۴-۶. از جابر بن عبدالله که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا نَزَالَ عَصَابَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ، قَاهِرِينَ لِعَدُوِّهِمْ، لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ، حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ.» (مسلم، ۱۵۲۴: ۳)؛ همیشه گروهی از امتم هستند که به خاطر دین خدا مبارزه می‌کنند و بر

دشمن خود پیروز می‌شوند؛ مخالفشان به آنان آسیبی نمی‌رسانند تا وقتی که قیامت برپا شود و آنان در همان حال هستند.

۷-۴-۷. از ابن شهاب که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ يُرِدِ اللهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ، وَاللَّهُ الْمُعْطِي وَالْقَاسِمُ، وَلَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللَّهِ، وَهُمْ ظَاهِرُونَ» (بخاری ۱۴۲۲ ق، ۴: ۱۰۸۵ و ۲۴: ۹، ۲۵ و ۱۰۱: ۹)؛ هرکسی که خدا برایش اراده خیر نماید به او فهم دین عنایت می‌کند، خدا عطاکننده است و من تقسیم‌کننده و گروهی از امت همواره برکسی که با آن‌ها مخالفت می‌کند جهاد می‌کنند تا این که فرمان خدا برسد، درحالی که آن‌ها غالب و پیروز هستند.

۷-۴-۸. از جابر بن عبدالله که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مسلم، ۱: ۱۳۷)؛ گروهی از امت من پیوسته در راه خدا جهاد خواهند کرد و فاتح خواهند شد تا روز قیامت.

۷-۵. پرچم‌های سیاه در آخرالزمان

در شماری از روایت‌های مربوط به ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، پرچم‌های سیاه نشانه ظهور منجی در آخرالزمان بیان شده است که به گفته حدیث پژوهان شیعه، این روایات بیشتر در منابع اهل سنت دیده می‌شود.

از ثوبان که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةٌ، كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطْلُعُ الرِّيَاضُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يُقْتَلْهُ قَوْمٌ - ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ فَقَالَ - فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَكُونُوا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِي». (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۱۱)؛ سه نفر گنج شمارا غارت می‌کنند، همه آن‌ها فرزند خلیفه هستند ولی به هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌رسد، سپس پرچم‌های سیاه از سمت مشرق بیرون می‌آیند و شما را به شکلی می‌کشد که پیش از آن چنین قتلی دیده نشده بود، سپس چیزی گفت که من آن را به یاد نمی‌آورم و فرمود: اگر او را دیدید با او بیعت کنید گرچه چهار دست و پا روی یخ به سمت او بروید، زیرا او خلیفه خدا (مهدی عَلَيْهِ السَّلَام) است.

در این روایت تصریح شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خلیفه خدا بر روی زمین است.

۶-۷. خروج مهدی

از ابن مسعود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيدًا وَ تَطْرِيدًا، حَتَّى يَأْتِي قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ، فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ، فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصُرُونَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا، فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا، كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ، فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبَّوْا عَلَى الثَّلْجِ.» (ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۲۰۹)؛ خدا برای ما اهل بیت آخرت را به جای دنیا، انتخاب کرده و اهل بیتم پس از من گرفتاری و مصیبت و فرار و... می بینند تا اینکه گروهی از سمت مشرق می آیند و همراه آنان پرچم‌های سیاهی است خیر را درخواست می کنند به آنان داده نمی شود، پیکار می کنند و پیروز می شوند، می دهند آنچه از آنان درخواست شود، ولی قبول نمی کنند تا اینکه آن را به مردی از اهل بیتم تحویل دهند که آن را پراز عدل و داد می کند همان گونه که پراز ظلم و ستم شده بود، هر کس از شما آن را ببیند خود را برساند گرچه با دست و پا آید.

۷-۷. خسف بیداء

«خسف بیداء» به معنی فرو رفتن در زمین، یکی از علائم حتمیه ظهور است که از روایات اهل بیت علیهم السلام به دست آمده و اهل سنت نیز آن را در روایات خویش نقل کرده اند. ۷-۷-۱. از عایشه و صفیه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا يَنْتَهِي النَّاسُ عَنْ غَزْوِ هَذَا الْبَيْتِ حَتَّى يَغْزَوْا جَيْشٌ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ أَوْ بِبَيْدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ خُسِفَ بِأَوْلِيهِمْ وَ آخِرِهِمْ وَ لَمْ يَنْجُ أَوْسَطُهُمْ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَمَنْ كَرَهُ مِنْهُمْ؟ قَالَ: يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي أَنْفُسِهِمْ.» (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ۳: ۷۶ با کمی اختلاف؛ ترمذی ۱۳۹۵ ق، ۴: ۴۷۸؛ ابن ماجه ۱۴۳۰ ق، ۵: ۱۸۳ و ۱۸۴ با کمی اختلاف؛ مسلم، ۴: ۲۲۱۰)؛ پیش از این که مردمی این شهر (کعبه) را غارت کنند سپاهی می رسد و با آنان می جنگد، هنگامی که این سپاه به بیداء رسید، از اول تا آخرشان را زمین فرومی برد و هیچ کس از بین آن‌ها نجات پیدا نمی کند. پرسیدم؛ حتی اگر بعضی از آن‌ها کراهت داشته باشد؟ گفت: خدا آن‌ها را به جان خود می اندازد.

۷-۷-۲. از حذیفه بن اسید غفاری که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ ... وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ، وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ، وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، ...» (مسلم، ۴: ۲۲۲۵)؛ شما قیامت را نخواهید دید تا آن‌که پیش از آن، ده نشانه ببینید: ... سرزدن آفتاب از مغرب و سه فرورفتن در زمین: یکی در شرق، یکی در غرب و یکی در جزیره‌العرب ...

۷-۷-۳. از ام سلمه که پیامبر ﷺ فرمود: «فِي بَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَيُبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْتُ مِنَ الشَّامِ، فَيُخَسَفُ بِهِمُ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ، فَإِذَا رَأَى النَّاسُ ذَلِكَ أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَعَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَيَبَايَعُونَهُ...» (ابوداود، ۱۴۳۰ ق، ۶: ۳۴۴)؛ مردم میان رکن و مقام با او بیعت می‌کنند در این حال سپاهی از شام به سویشان گسیل داده می‌شود و آن‌ها در بیداء در زمین فرو می‌روند. پس زمانی که مردم آن را دیدند بزرگانی از اهل شام و گروه‌هایی از اهل عراق به سوی او می‌آیند و با مهدی بیعت می‌کنند.

۷-۸. طلوع خورشید از مغرب

۷-۸-۱. از حذیفه بن اسید غفاری که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ ... وَ طُلُوعَ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا ...» (مسلم، ۴: ۲۲۲۵)؛ شما قیامت را نخواهید دید مگر آن‌که پیش از آن، ده نشانه را ببینید: ... یکی از آن‌ها طلوع خورشید از مغرب است ...

۷-۸-۲. از ابوهریره که پیامبر ﷺ فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا، فَإِذَا طَلَعَتْ وَرَأَاهَا النَّاسُ آمَنُوا أَجْمَعُونَ، وَ ذَلِكَ حِينَ *لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا خَيْرًا... الْأَنْعَامِ: ۱۵۸*» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۶: ۵۸، ۸: ۱۰۶، ۹: ۵۹؛ مسلم، ۱: ۱۳۷؛ ابوداود ۱۴۳۰ ق، ۶: ۳۷۰؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰ ق، ۵: ۱۸۶؛ نسائی، ۱۴۲۱ ق، ۱۰: ۹۶)؛

قیامت برپا نمی‌شود تا اینکه خورشید از مغربش طلوع کند. پس هنگامی که طلوع کرد و مردم آن را دیدند، همه ایمان می‌آوردند. پس آن زمان، ایمان کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری را در ایمانش به دست نیاورده نفع نمی‌بیند.

۷-۹. نزول حضرت عیسی بن مریم علیها السلام

در کتب معتبر حدیثی اهل سنت روایتی نقل شده است مبنی بر این که در آخرالزمان

و نزدیک قیامت، حضرت عیسیٰ علیه السلام پشت سر مردی از امت اسلام نماز خواهد خواند و دلالت دارد بر این که زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند.

۷-۹-۱. از ابوهیریه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فِيكُمْ، وَإِمَامُكُمْ مِنْكُمْ» (بخاری، ۱۴۲۲ ق، ۴: ۱۶۸؛ مسلم، ۱: ۱۳۶ و ۱۳۷)؛ چگونه خواهید بود آنگاه که فرزند

مریم علیها السلام در بین شما نازل شود و امام شما از خودتان باشد؟

۷-۹-۲. از حدیفه بن اسید غفاری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّهَا لَنْ تَقُومَ حَتَّى تَرُونَ قَبْلَهَا عَشْرَ آيَاتٍ ... وَ نَزُولَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ علیه السلام ...» (مسلم، ۴: ۲۲۲۵)؛ شما قیامت را نخواهید دید مگر آن که پیش از آن، ده نشانه را ببینید: ... یکی از آن‌ها نزول عیسی پسر مریم علیه السلام است ...

برخی از شارحان صحیح بخاری مفهوم این حدیث را این گونه بیان کرده اند که؛ منظور از این امام، کسی جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف نیست. (ابن حجر، ۱۳۷۹ ق، ۶: ۴۹۴)

۷-۱۰. احادیث نمازخواندن حضرت عیسیٰ علیه السلام به امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

۷-۱۰-۱. از جابر بن عبدالله انصاری که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» قَالَ: «فَيَنْزِلُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام فَيَقُولُ أَمِيرُهُمْ: تَعَالَى صَلِّ لَنَا، فَيَقُولُ: لَا، إِنَّ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ أَمْرَاءُ تَكْرِمَةَ اللَّهِ هَمَّهُ الْأُمَّةُ» (مسلم، ۱: ۱۳۷)؛ گروهی از امت من پیوسته در راه خدا جهاد خواهند کرد و تا روز قیامت پیروز خواهند شد. سپس فرمود: آنگاه عیسی بن مریم علیه السلام فرود خواهد آمد و رهبر این گروه به وی می گوید: بیا برای ما نماز بگذار. او جواب خواهد داد: خیر، برخی از شما بر برخی دیگر امیرند و این به سبب بزرگداشت و تکریم امت اسلامی است.

۷-۱۰-۲. از ابی امامه الباهلی که پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه مفصلی فرمود: «... وَإِمَامُهُمْ رَجُلٌ صَالِحٌ، فَبَيْنَمَا إِمَامُهُمْ قَدْ تَقَدَّمَ يُصَلِّي بِهِمُ الصُّبْحَ، إِذْ نَزَلَ عَلَيْهِمُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ علیه السلام الصُّبْحَ، فَرَجَعَ ذَلِكَ الْإِمَامُ يَنْكُصُ، يَمْشِي الْقَهْقَرَى، لِيَتَقَدَّمَ عِيسَى علیه السلام يُصَلِّي بِالنَّاسِ، فَيَضَعُ عِيسَى يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ، ثُمَّ يَقُولُ لَهُ: تَقَدَّمَ فَصَلِّ، فَإِنَّهَا لَكَ أَقِيمَتْ، فَيُصَلِّي بِهِمُ إِمَامُهُمْ، ...» (ابن ماجه ۱۴۳۰ ق، ۵: ۱۹۹)؛ امام آنها مرد صالحی است، وقتی امام جلومی آید تا نماز صبح را اقامه کند،

عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام فرود می‌آید. امام به درون صف برمی‌گردد تا عیسی عَلَيْهِ السَّلَام امامت نماز صبح را بر عهده بگیرد، عیسی عَلَيْهِ السَّلَام دستش را بردوش امام می‌گذارد و می‌گوید: چون برای توقامت شده باید جلو بروید، امام جلو می‌رود و برای مردم نماز را برپا می‌دارد.

۱۱-۷. احادیث بخشش مال

از جابر بن عبدالله انصاری که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ خَلِيفَةٌ يَحْتِي أَلْمَالَ حَتَّى لَا يَعُدَّهُ» (مسلم، ۴: ۲۲۳۴)؛ «در پایان امتم خلیفه‌ای خواهد بود که مال فراوان می‌دهد بدون آنکه شماره کند.»

۸. تحلیل انتقادی شبهه

در تحلیل انتقادی منکرینی که شبهه «مهدویت از عقاید قدمای اهل سنت نیست» را بیان کرده و مهدویت را به دلیل عدم ذکر در صحیحین منکر شده‌اند بیان چند نکته حائز لازم است.

۱-۸. بررسی صحاح سته اهل سنت روشن نمود که؛ ظاهراً بخاری و مسلم نامی از حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نیاورده‌اند اما اولاً این امر باعث انکار اصل مهدویت نخواهد شد چراکه هم احادیثی در صحاح سته موجود؛ از قول پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که به ذکر اوصاف حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام مثل نماز خواندن عیسی بن مریم عَلَيْهِ السَّلَام پشت سر آن حضرت و خروج دجال و... پرداخته است و به صورت عمومی دلالت بر اصل مهدویت می‌نماید و ثانیاً روایت «الْمَهْدِي حَقٌّ وَهُوَ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ» توسط چهار نفر از علمای بنام اهل سنت، در کتبشان از صحیح مسلم نقل شده و آن را صحیح دانسته‌اند که این امر مشخص می‌نماید که علی‌رغم این‌که این حدیث در چاپ‌های فعلی صحیح مسلم و صحیح بخاری موجود نیست، در چاپ قدیم کتاب موجود بوده است و بعداً حذف شده است. (رك: هيثمي، ۱۹۹۷ م، ۲: ۴۷۲ به نقل از صحیح مسلم و ابو داود و نسایی و ابن ماجه) (رك: متقی هندی، ۱۹۸۹ م، ۱۴: ۳۲۱ به نقل از صحیح مسلم) (رك: ابن حجر، ۱۶۳، اسعاف الراغبین، چاپ شده در حاشیه کتاب نور الابصار، ۱۴۵) (رك: مشارق الأنوار: الحمزاوی، ۱۱۲).

نکته قابل توجه دیگر این است که روایتی که تصریح بر نام و نسب حضرت می‌نماید در

سنن ابی داود و ابن ماجه بیان شده است و نمی‌توان پذیرفت که این روایت صحیح نباشد و به این کتب اضافه شده باشد که در این صورت صحت بقیه احادیث این کتب نیز به دلیل این‌که به راحتی می‌توان در آن دست برد مورد اشکال قرار می‌گیرد.

۲-۸. بخاری و مسلم هرگز ادعا نکرده‌اند که اگر حدیثی را در صحیح خود ذکر نکرده باشند، اعتبار ندارد؛ چنانچه به جز احادیث مهدوی احادیث فراوانی هستند که بخاری آن‌ها را صحیح دانسته و در صحیح خود نیاورده است و گفته این احادیث صحیح را به سبب احتراز از طولانی شدن کتاب نیاوردم.

۳-۸. سنن ابن ماجه، ابی داود، ترمذی و نسایی، هم احادیثی مشتمل بر نام مبارک آن حضرت را نقل کرده‌اند و هم روایاتی که بیان می‌دارد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و در خلق و چهره و اندام و... شبیه پیامبر صلی الله علیه و آله است و علمای بزرگ اهل سنت همچون ابن تیمیه و بن باز و... تصریح کردند احادیث مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از بزرگان صحابه نقل شده‌اند و در نتیجه صحیح الأسناد هستند.

۴-۸. یکی از دلایل انکار مهدویت در بین مسلمانان و خاورشناسان؛ استفاده نادرست از مهدویت در طول تاریخ و به کار گرفتن آن در جهت اهداف و مقاصد برخی سودجویان است، که این امر موجب می‌شود مسئله روشمندان و از زاویه دین‌شناسی مورد بررسی قرار نگیرد و مهدویت یک امر سیاسی و زاینده تفکرات شیعی به حساب آید.

۵-۸. برخی از خاورشناسان با نگرش تاریخی گری و سطحی‌نگری و تحت تأثیر رخدادهای قرون نخستین اسلام و با دیدگاه سیاسی و بدون تحلیل دقیقی از مسئله و به دور از واقعیات، سخنان منکرین پیش از خود را تکرار نموده‌اند و این اصل مهم را منکر شده‌اند.

۶-۸. خوش‌بینانه‌ترین احتمال این است که خاورشناسانی که به نقد و انکار مهدویت پرداخته‌اند؛ یا اطلاع کافی از منابع اسلامی نداشته‌اند و یا به زبان عربی مسلط نبوده‌اند و یا به منابع اصیل دسترسی نداشته‌اند و حال آنکه اظهار نظر در مورد اعتقادات یک دین یا مذهب باید با مطالعه منابع اصیل ایشان صورت پذیرد نه از روی نوشته‌های منکرین و مخالفان آن عقیده.

۶-۸. استفاده نادرست از مهدویت در تاریخ موجب شده تا خاورشناسان مسئله مهدویت را از دیدگاه سیاسی و تحولات اجتماعی بنگرند.

۷-۸. اغلب مسلمانانی که در طول تاریخ به نقد مهدویت پرداخته‌اند، بدون سند علمی و شاهد تاریخی و بی‌توجه به کتب حدیثی اهل سنت بوده است و از آن فقط در جهت اهداف و مقاصد سیاسی خود استفاده کرده‌اند و در نتیجه باعث ایجاد این ذهنیت در شرق شناسان شده است که اصل مهدویت بیش از آنکه يك واقعیت باشد، دسیسه‌ای در دست مخالفان سیاسی است.

۹. نتیجه

۱-۹. در صحاح سته اهل سنت احادیث زیادی در موضوع مهدویت وارد شده که به اعتراف برخی علمای اهل سنت مانند ابن تیمیه و... این احادیث متواتر معنوی و مستفیض هستند.

۲-۹. در بین اعتقادات اسلامی و کمتر موضوعی را می‌توان یافت که به اندازه اصل مهدویت مورد توجه و توافق دانشمندان همه فرق اسلامی باشد

۳-۹. اصل مهدویت؛ باوری نیست که ساخته و پرداخته پیروان اهل بیت علیهم‌السلام باشد بلکه امری قطعی است و از ضرورت‌های اسلامی به شمار می‌رود.

۴-۹. کسانی که به نقد و انکار مهدویت پرداخته‌اند بدون هیچ دلیل متقن به این کار دست زده‌اند و به نظر می‌رسد.

۵-۹. با توجه به این‌که مهدویت و انتظار موعود باعث تقویت روحیه امید و تضعیف روحیه تزلزل و ناامیدی در انسان می‌شود و موجب ایستادگی در مقابل ظلم و ستم می‌شود افرادی که می‌خواهند انسان‌ها را تحت سلطه خود داشته باشند و بر آن‌ها حکومت کنند به این شکل راحت‌تر می‌توانند به اهداف استعماری خود دست یابند و در نتیجه دست به ترویج چنین تفکراتی می‌زنند. لذا باید با هوشیاری و با آگاهی از مقاصد ایشان به تبیین صحیح این اندیشه پرداخت و مانعی در راه رسیدن ایشان به اهداف استعماری شان ایجاد کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

- آلبانی، ناصرالدین، **سلسله الاحادیث الصحیحه**، ریاض، مکتبه المعارف، ۱۴۱۵ ق.
- آل محمود عبدالله بن زید، **لا مهدی یتظر بعد الرسول خیر البشر**، (معاصر)، مطابع علی بن علی، دوحه (قطر)، بی تا.
- ابن حجر، أحمد بن علی بن حجر، **العسقلانی الشافعی، فتح الباری شرح صحیح البخاری**، دارالمعرفه، بیروت، ۱۳۷۹ ق.
- ابن ماجه، أبو عبد الله محمد بن یزید القزوینی (المتوفی: ۲۷۳ ق)، **سنن ابن ماجه**، شعيب الأرنؤوط، دار الرساله العالمیه، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ ق، عدد الأجزاء: ۵
- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدی السجستانی (المتوفی: ۲۷۵ ق)، **سنن ابو داود**، دار الرساله العالمیه، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ ق - ۲۰۰۹ م، عدد الأجزاء: ۷
- امین احمد مصری، (۱۳۷۳ - ۱۳۰۵ ق)، **ضحی الإسلام**، مکتبه الاسره، مصر، ۱۹۹۹ م.
- امین احمد، **المهدی والمهدویه**؛ مؤسسه هنداوی، ۲۰۱۲.
- البخاری الجعفی، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل، (۲۵۶ ق)، **المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه، صحیح البخاری**، دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ ق.
- تاجری نسب، غلامحسین، **فرجام شناسی حیات انسان**، ۲ جلد، مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر، تهران ۱۶ (ایران)، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ش.
- الترمذی، محمد بن عیسی بن سؤرة بن موسی بن الضحاک، أبو عیسی (۲۷۹ ق)، **سنن الترمذی**، تحقیق و تعليق: أحمد محمد شاكر (۱، ۲) و محمد فؤاد عبد الباقي (۳) و إبراهيم عطوة عوض المدرس فی الأزهر الشريف (۴، ۵) الشركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ ق - ۱۹۷۵ م، عدد الأجزاء: ۵.
- دونالدسن دوايت (معاصر)، **عقيدة الشيعة**، ترجمه: ع. م (علینقی منزوی)، مؤسسه المفید، بیروت، ۱۹۹۰ م.
- رشید رضا، رشید بن علی رضا بن محمد (۱۳۵۴ ق)، **تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)**، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.
- العباد عبد المحسن بن حمد (۱۴۰۰ - ۱۳۵۳ ق)، **الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی**، مجلة الجامعة الإسلامية، ۴۵ سال ۱۲ (۱۴۰۰ ق)
- عبد الحمید محسن (متولد ۱۳۵۶ ق)، **حقیقة البایبة و البهائية**، المکتب الاسلامی للطباعة و النشر، ۱۹۸۵ م.
- عتوم، محمد عبد الکریم، **النظرية السياسية المعاصرة للشيعة الامامية**، دارالبشير، عمان، ۱۴۰۹ هـ ق
- گلدز بهرايگناز (۱۹۲۱ - ۱۸۵۰ م)، **العقيدة و الشريعة فی الاسلام**، ترجمه محمد يوسف موسى علی حسن